



رویکرد ایران بعد از توافق هسته‌ای

دکتر فاطمه سادات میراحمدی*

اشاره:

نوشتار حاضر، برگرفته از مقاله جیمز رابینز، عضو ارشد امور امنیت ملی در شورای سیاست خارجی آمریکا در واشینگتن دی. سی. است. وی که نگاه بدبینانه‌ای به برجام و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران دارد، استدلال می‌کند ایران برجام را صرفاً به عنوان ابزاری برای از بین بردن تحریم‌ها و نه به عنوان منسادی دگرگونی بنیادی در رفتار و نیز روابط ایران با غرب می‌بیند. ایران به هدف خود بدون نیاز به انحراف از استراتژی‌های جهانی یا منطقه‌ای‌اش دست یافته و پس از گذشت یک سال از اجرای برجام، نشانه‌های کمی از تغییر در سیاست‌ها و رفتار ایران دیده می‌شود که نشان‌دهنده عناصر اصلی چشم‌انداز ایدئولوژیک فراگیر و دائمی حکومت ایران است.

مقدمه

روسیه، چین و آلمان) شد، نشان از این رویکرد اوپاما دارد. رابینز معتقد است ایران تا به امروز، نفع فوق‌العاده‌ای از توافق - در قالب آزادی میلیاردی دلار از دارایی‌های بلوکه شده‌اش و افزایش سریع تجارت‌های پسابرجام با شرکای خارجی - برده است. با این حال، پس از یک سال از اجرای برجام، نشانه‌های کمی از تغییر در رفتار ایران دیده می‌شود و هیچ شواهدی از بازکردن مشتمت وجود ندارد. خود توافق نیز به دلیل تغییرات سیاسی در آمریکا و نیز تداوم سوء رفتار ایران با خطر مواجه است.

سیاست دولت اوپاما در مورد ایران به وسیله این عقیده پیش برده شد که رسیدن به توافق با ایران بر سر برنامه سلاح‌های هسته‌ای: نخست، یک موفقیت دیپلماتیک تاریخی را شکل می‌دهد؛ دوم، منجر به یک تحول اساسی در روابط ایران و آمریکا می‌شود؛ و سوم، موجب تغییرات قابل توجه در رفتار بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. این دیدگاه ظاهراً بر این باور بنا شده بود که مخالفت آمریکا با سیاست‌های ایران، نقشی مهم در دائمی کردن فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده تهران در عرصه بین‌الملل شده است و پیگیری روابط حسنه با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند منجر به اتخاذ سیاست‌های معتدل‌تر توسط ایران شود. اوپاما در سخنرانی تحلیف خود در سال ۲۰۰۹ بیان کرد، «اگر شما مشتمت خود را باز کنید، ما دست‌مان را به سوی شما دراز خواهیم کرد».

افکار واہی

برجام در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ به اجرا گذاشته شد. اوپاما با گفتن این که توافق صورت گرفته با ایران ضمانتی برای این است که ایران به بمب هسته‌ای دست نخواهد یافت، این واقعه را ستود. وی بیان کرد با وجود اینکه توافق هرگز همه اختلاف‌های ما را حل نخواهد کرد، اما خود فرایند مذاکرات «یک فرصت منحصر به فرد - یک پنجره‌ای -

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و مذاکراتی که منجر به این توافق بین ایران و قدرت‌های ۵+۱ (آمریکا، فرانسه،

بر مبنای اصول قرآن کریم؛ سوم، گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی ایران؛ و چهارم، نابودی دشمنان ایران به‌ویژه اسرائیل و آمریکا. به عبارت دیگر، ایران با تمایل برای تبدیل شدن به یک قدرت هژمون منطقه‌ای، فقط یک حکومت متخاصم در خاورمیانه نیست بلکه یک رژیم انقلابی است که در حال تلاش برای تغییر شکل نقشه منطقه و سیستم اعتقادی جهان است. به این ترتیب، عادی‌سازی روابط ایران با غرب تهدیدی برای باورهای محوری رژیم ایران و مأموریت آن در جهان است.

از نظر رایینز، این دستور کار انقلابی، خود را در شیوه‌های مختلف آشکار ساخته است. وی مدعی است که در طول سه دهه گذشته، تهران بزرگ‌ترین شبکه تروریست بین‌المللی را ساخته است - که شامل شبه‌نظامیان شیعه در عراق و نیز گروه‌های افراطی مانند حزب الله و حماس است. ایران قصد گسترش دادن ایدئولوژی خود در کشورهای همسایه‌اش یعنی عراق و افغانستان و نیز در کشورهای با جمعیت شیعه قابل توجه مانند بحرین در منطقه خلیج فارس را دارد. به علاوه، ایران مدتی طولانی حامی اصلی رژیم بشار اسد در سوریه بوده است و در حال حاضر عمیقاً درگیر مبارزه با شورشیان تحت حمایت غرب است که در حال تلاش برای سرنگونی رژیم اسد در دمشق هستند. در عین حال، شورشیان حوثی مورد حمایت ایران در یمن، بخش‌های وسیعی از قلمرو یمن را گرفته و دولت طرفدار غرب در این کشور را با چالش مواجه کرده‌اند.

رایینز معتقد است این سادگی است که تصور کنیم ایران برای رنجاندن واشینگتن، یا پاسخ به امپریالیسم غرب و یا اتخاذ رویکرد سیاست قدرت در این رفتارها درگیر شده است، بلکه این تلاش‌های تهران، بیان صریح جهت‌گیری استراتژیک تثبیت‌شده توسط آیت‌الله خمینی هستند که به وسیله وفاداران وی تداوم یافته‌اند و امروزه هنوز هم به وسیله رژیم ایران دنبال می‌شوند. برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران نیز درون همین چارچوب قرار می‌گیرد و انعکاس جهان‌بینی حکومت ایران است. وی استدلال می‌کند، اگر حکومت در ایران اهداف انقلابی نداشته باشد، هیچ نیازی برای به دست آوردن سلاح‌های کشتار جمعی، ساخت شبکه‌های تروریستی، تبلیغ اعتقادات شیعی یا درگیری در هر اقدام بی‌ثبات‌کننده دیگری ندارد. اما تا زمانی که ایران

برای تلاش جهت حل مسائل مهم ایجاد کرده است». او با ما تأکید کرد که چندین مسئله مهم باقی مانده که به آن‌ها پرداخته شود. وی در این زمینه به برنامه موشکی ایران، تهدید متحدان منطقه‌ای آمریکا مانند اسرائیل توسط ایران، حمایت ایران از تروریسم و نقض گسترده حقوق بشر توسط حکومت ایران اشاره کرد. وی همچنین بیان کرد مردم ایران فرصت برای ایجاد پیوندهای جدید با جهان و دنبال کردن یک مسیر جدید و یک آینده متفاوت و بهتر که موجب پیشرفت برای مردم ما و جهان می‌شود را دارند.

رایینز معتقد است با این حال بعد از یک سال، هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه ایران از این فرصت برای دنبال کردن مسیر جدیدی استفاده کرده، وجود ندارد؛ این نتیجه باید توسط سیاست‌گذاران در واشینگتن پیش‌بینی می‌شد. زمانی که برجام اجرایی شد، ایران بلافاصله به هدف استراتژیک خود از لغو تحریم‌ها دست یافت. رسیدن ایران به هدف استراتژیک خود، در درجه اول از طریق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل بود که قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل در مورد تحریم ایران برای برنامه هسته‌ای‌اش را از بین برد. در مقابل، ایران وعده داد که برنامه هسته‌ای خود را برای حدود یک دهه متوقف کند و یک نظام بازرسی محدود بر برنامه هسته‌اش را پذیرفت.

از نظر رایینز، این مفهوم که برجام پنجره جدیدی برای حل مسائل در دیگر عرصه‌ها باز کرده، بنا بر این فرض اشتباه بود که جمهوری اسلامی ایران در واقع خواستار تغییر مسیر استراتژیک است. با این حال، از زمان اجرای برجام هیچ نشانه‌ای در بیانات مقامات ایران یا رفتار ایران وجود ندارد که حاکی از عقب‌نشینی ایران از برنامه موشکی‌اش باشد؛ حمایت از رژیم‌های خشن را کاهش دهد یا خصومت خود با اسرائیل، عربستان سعودی یا آمریکا را تعدیل کند. در واقع، این‌ها نشان‌دهنده عناصر اصلی چشم‌انداز ایدئولوژیک فراگیر و مداوم رژیم ایران هستند.

ایدئولوژی ایرانی و بمب اتم

رایینز استدلال می‌کند که پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، حکومت ایران همواره بر چند اصل ایدئولوژیکی تأکید کرده است: اول، برتری و تفوق اسلام شیعی (به‌ویژه بر مذهب سنی)؛ دوم، اتحاد دین و دولت و زندگی روزمره



یک قدرت تجدیدنظر طلب باقی بماند، نمی توان پنداشت که به تعدیل در رفتارش می پردازد. وی بیان می کند رهبر ایران در تأیید این سیاست ایران، صادق و صریح بوده است. رهبر ایران در جولای ۲۰۱۵، در یک سخنرانی بیان کرد که سیاست های آمریکا در منطقه «۱۸۰ درجه» با سیاست های ایران تفاوت دارد. این تنها یکی از شاخص های بسیاری است که نشان می دهد ایران برجام را به عنوان صرفاً یک ابزار برای از بین بردن تحریم ها دیده و نه به عنوان منادی و جلودار دگرگونی بنیادی در روابط ایران با غرب.

افسانه فتوا

رابینز معتقد است که رویکرد او با ما نسبت به ایران بر این مبنا بود که ممکن است تهران دستیابی به سلاح های هسته ای را غیراسلامی در نظر بگیرد. در فوریه ۲۰۱۵، در حالی که مذاکرات بر سر برجام هنوز در حال انجام بود، او با ما استدلال کرد که رسیدن به یک توافق که به ایران اجازه دسترسی به استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای بدون ترس از مسلح شدن آن به سلاح هسته ای را می دهد، امکان پذیر است. وی بیان کرد که ادعای ایران این است که دستیابی به سلاح هسته ای برخلاف اعتقاد مذهبی شان است و ایران هیچ تمایلی برای دستیابی به سلاح های هسته ای ندارد. اگر این درست باشد، امکان رسیدن به توافق وجود دارد.

رئیس جمهور آمریکا به فتوای صادر شده توسط رهبر ایران اشاره می کرد که سلاح های هسته ای را حرام اعلام می کرد. رابینز استدلال می کند که اگرچه در مطبوعات به طور گسترده ای این فتوا گزارش شده، اما برخلاف تمام دیگر احکام مذهبی آیت الله خامنه ای، هرگز منتشر نشده است. نزدیک ترین چیز به یک بیانیه عمومی که مرتبط با این امر باشد، بر روی صفحه وب سایت نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل قرار دارد. در این وب سایت اعلام شده که ایران «هرگز به دنبال دستیابی به سلاح های هسته ای نبوده و نخواهد بود» و «جمهوری اسلامی به لحاظ منطقی، مذهبی و تئوریک، داشتن سلاح هسته ای را گناه کبیره در نظر می گیرد و معتقد است که گسترش چنین سلاح هایی بی معنا، مخرب و خطرناک است». استدلال رابینز این است که این بیانیه هیچ ارجاعی به قرآن کریم یا دیگر متون و یا سنت اسلامی نداده است.

وی بیان می کند که در جهان اسلام، هیچ سابقه قوی از مخالفت دولت با سلاح های هسته ای که مبنی بر اعتقاد دینی باشد، وجود ندارد. پاکستان تنها کشور عمده مسلمان با سلاح های هسته ای، هرگز در مورد این که آیا مسلمانان می توانند دارای بمب اتم باشند یا از آن استفاده کنند، مورد سؤال قرار نگرفته است. نخست وزیر پاکستان ذوالفقار علی بوتو، کسی که اولین بار مفهوم «بمب اسلامی» را مطرح کرد، در سال ۱۹۷۷ نوشت: «تمدن های مسیحی، یهودی و هندو دارای قابلیت (هسته ای) هستند»، قدرت های کمونیستی نیز آن را در اختیار دارند، تنها تمدن اسلامی است که آن را در اختیار نداشته است. رابینز استدلال می کند زمانی که پاکستان اولین سلاح هسته ای خود را در سال ۱۹۹۸ مورد آزمایش قرار داد، ایران اسلام آباد را محکوم نکرد. مهاجرانی، معاون رئیس جمهور ایران، در سال ۱۹۹۲ بیان کرد: «از آنجا که اسرائیل به تلاش برای دستیابی به سلاح های هسته ای ادامه می دهد، ما مسلمانان باید بدون توجه به تلاش سازمان ملل برای جلوگیری از اشاعه سلاح های هسته ای، برای تولید بمب اتم همکاری کنیم».

در نهایت، رابینز معتقد است که در هر صورت، فتوای ضد هسته ای باید به عنوان ابزاری برای منحرف کردن توجه از برنامه هسته ای ایران در پی تهاجم سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق دیده شود، تهاجمی که ظاهراً برای از بین بردن سلاح های کشتار جمعی بغداد طراحی شده بود. اگر رهبران جمهوری اسلامی ایران واقعاً معتقد بودند که دستیابی به سلاح های هسته ای به دلیل قوانین مذهبی ممنوع است، تهران نباید در فعالیت هایی درگیر می شد که در وهله اول ایران را صرفاً به سمت تولید سلاح های هسته ای مجهز می کنند و نیازی به برنامه برجام نبود.

عدم ایجاد تغییرات از سمت ایران

در جولای ۲۰۱۵، او با ما اظهار داشت که امیدوار است توافق هسته ای منجر به تداوم گفتگوها با ایران شود و آن ها را تشویق به رفتار متفاوت در منطقه، همکاری بیشتر و تخاصم کمتر کند. این دیدگاه، اندیشه خوش بینانه ترین طرفداران این توافق بود؛ کسانی که اعتقاد داشتند فرایند توافق می تواند در را برای تنش زدایی جامع تر بگشاید، ایران میانه رو را توانمند سازد و منجر به شکلی از تغییر رژیم تدریجی و صلح آمیز در ایران شود.



با این حال، رهبری جمهوری اسلامی ایران هرگز با این مفهوم دولت اوباما که برجام می‌تواند یا باید منجر به تغییرات در ایدئولوژی، استراتژی، سیاست یا رفتار ایران شود، موافق نبوده و این مفهوم که توافق هسته‌ای به نحوی منجر به یک گشایش و موجب ترویج میانه‌روی در داخل ایران می‌شود را رد کرده است. در جلسه‌ای در اوت ۲۰۱۵، رهبر ایران بیان کرد «ما اجازه نفوذ فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی آمریکا در ایران را نمی‌دهیم. مذاکرات با آمریکا به شدت محدود است. ایران علاقه‌مند به بحث کردن در مورد هر مسئله مهمی بیرون از برنامه هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌ها نیست».

سناتور چاک شومر زمانی که مخالفتش را با برجام اعلام کرد، به این مسئله اشاره کرد. با تأکید بر این که «این خطر بسیار واقعی که ایران میانه‌رو نخواهد شد و در عوض، از توافق برای دنبال کردن اهداف شومش استفاده می‌کند، بسیار بزرگ است». همچنین فعالان حقوق بشر استدلال کرده‌اند که قدرت‌دادن به رژیم ایران منجر به امید برای میانه‌روی نخواهد شد و مامشات با رژیم ایران منجر به جهان خطرناک‌تری می‌شود.

رایزنر استدلال می‌کند ایران رفتارش را نسبت به مناقشات منطقه‌ای تغییر نداده و حتی موضع اصولی در برابر بحث کردن در مورد این موضوع گرفته است. در یک سخنرانی در سپتامبر ۲۰۱۶، رهبر این کشور گفت «آمریکایی‌ها اصرار دارند که ما با آن‌ها در مورد مسائل منطقه‌ای خصوصاً در مورد سوریه، عراق، لبنان و یمن مذاکره کنیم. هدف اصلی آن‌ها جلوگیری از حضور ایران در منطقه، یعنی عامل اصلی شکست آمریکا است. رئیس‌جمهور ایران نیز بیان کرد، تنها عامل از بین بردن تهدیدات نظامی، قدرت نظامی و دفاعی و ایجاد ترس در دشمن بوده و باقی خواهند ماند. به عبارت دیگر، مشت‌گره کرده، مؤثرتر از دست‌درازشده برای دست‌دادن است».

به اعتقاد رایزنر، برجام نه تنها ایران را از دنبال کردن برنامه موشک‌های بالستیک خود دلسرد نکرده بلکه مانع توانایی آمریکا برای پاسخ‌دادن به آن شده است. موضوع محدود کردن موشک‌های ایران به اوایل مذاکرات گروه ۵+۱ برمی‌گردد. اگرچه سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی در حال تنظیم محدودیت‌هایی برای ایران بودند اما بسیاری از آن محدودیت‌ها تحت شرایط نهایی برجام خنثی

و بلااثر شد. زمانی که ایران دو موشک بالستیک جدید خود را در سال ۲۰۱۶ آزمایش کرد، آمریکا اعتراض کرد که این آزمایش محدودیت سازمان ملل در مورد برنامه موشکی ایران را نقض کرده است. اما ویتالی چورکین سفیر روسیه در سازمان ملل، واکنش نشان داد و گفت آزمایش موشکی ایران نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، که چارچوب جدیدی برای برجام تثبیت کرده، نبوده است. گفته چورکین درست بود. قطعنامه ۲۲۳۱ شش قطعنامه قبلی که هدف‌شان محدود کردن برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران بود را بی‌اثر کرد. به طور خاص، قطعنامه ۱۹۲۹ که بر اساس آن ایران نباید هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای انجام می‌داد، خنثی و بلااثر شده بود. از نظر رایزنر، بنابراین، برجام به جای ترویج ثبات، ایران را قادر کرده که برنامه موشکی‌اش را بدون محدودیت‌های عملی مشخص شده تحت چارچوب قدیمی دنبال کند و زمانی که آمریکا پیشنهاد دور جدید تحریم‌ها علیه ایران را ارائه کرد، ایران ادعا کرد که انجام این کار نقض برجام است.

در نهایت، از نظر رایزنر، دلایلی برای این اعتقاد که ایران در حال ادامه‌دادن به برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود و نقض برجام است، وجود دارد. در جولای ۲۰۱۶، سازمان اطلاعات آلمان گزارش داد اطلاعاتی دارد که نشان می‌دهد ایران تلاش کرده تجهیزاتی که می‌تواند برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرند را خریداری کند. وی مدعی است ایران همچنین به طور نامشروعی برای دستیابی به مواد فیبر کربن برای سانتریفیوژهای پیشرفته خود تلاش کرده است و آژانس انرژی هسته‌ای قادر به تعیین حد کاملی که بر اساس آن ایران برنامه هسته‌ای خود را کاملاً متوقف کند، نبوده است. وی استدلال می‌کند جنبه‌هایی از برنامه هسته‌ای ایران که معلق شده‌اند، به سرعت برگشت پذیرند. مزید بر این مشکل، جامعه بین‌المللی دید درستی نسبت به قابلیت هسته‌ای پایه‌ای ایران برای آغازشدن مجدد و هیچ مفهوم روشنی از آنچه متوقف شده، ندارد. بنابراین، امید زیاد برای تغییر اساسی در سمت ایران نقش بر آب شده است. نه تنها برجام منجر به تحول رفتار ایران نشده، بلکه حتی ممکن است موجب متوقف کردن برنامه هسته‌ای نامشروع ایران، که فرض بر این بود که آن را متوقف می‌کند، نیز نشود.

چارچوب در حال سقوط

در پاسخ به عدم تعهد، نقض یا تردید در اجرای توافق، بی‌درنگ عمل خواهد کرد.

بنابراین، ظرف مدت یک سال از اجرایی شدن برجام، امیدهایی که این توافق می‌تواند طلیعه یک عصر جدید از روابط با ایران باشد، از بین رفته است. تنها این سؤال باقی مانده که آیا توافق حفظ خواهد شد یا نه؛ اگر نمی‌شود، آیا ایران است که ضربه مهلکی به توافق می‌زند یا آمریکا.

نتیجه‌گیری

رایینسز در این مقاله نگاه بدبینانه‌ای به برجام و نتایج آن و نیز سیاست‌های کنونی جمهوری اسلامی ایران دارد. در نهایت وی معتقد است که این باور دولت اوباما که تعامل دیپلماتیک با ایران - که در برجام به اوج خود رسید- موجب تغییری اساسی در جمهوری اسلامی ایران می‌شود بر فرضیه ناقصی بنا شده بود. رژیم ایران هرگز نشان نداده که خواهان افزایش روابطش با غرب یا دنبال کردن اصلاحات داخلی و اتخاذ سیاست‌های میانه‌رو است. در واقع، ایران اگر می‌خواست این نوع از تغییرات اساسی را انجام دهد، هیچ چیزی نمی‌توانست جلوی آن را بگیرد؛ حتی نبود توافق هسته‌ای مانع تغییرات نمی‌شد. تهران نگاه ابزاری به مذاکرات داشت و به توافق هسته‌ای به عنوان رژیم از بین‌برنده تحریم‌های تنبیهی بدون رهاکردن جاه‌طلبی هسته‌ای بلندمدت خود نگاه کرده است. حکومت ایران به این هدف بدون نیاز به انحراف از استراتژی‌های جهانی یا منطقه‌ای یا تعدیل لحن انقلابی‌اش دست یافته است. رهبر ایران به صراحت دیدگاه مطرح شده توسط اوباما که برجام یا چهارچوب ساخته شده برای مذاکره می‌تواند منجر به بهبود روابط دوجانبه یا هرگونه تغییری درون ایران شود را رد کرده است. در هر صورت، از نظر رایینسز دستاورد ایران در از بین‌بردن رژیم تحریم‌های بین‌المللی، به طور قابل توجه منجر به تشدید حس مأموریت ایران در عرصه بین‌الملل می‌شود و وضعیت مالی و قدرت نظامی آن را بهبود می‌دهد. در صورتی که توافق به زودی از بین برود، همان‌طور که در حال حاضر محتمل به نظر می‌رسد، ایران به احتمال زیاد برنامه هسته‌ای خود را با قدرت تجدیدشده، دوباره آغاز خواهد کرد.

روی کار آمدن دولت ترامپ و نیز گسترش تحریم‌های آمریکا که مرتبط با برنامه هسته‌ای نیست، می‌تواند فشارهایی ایجاد کند که خروج یک یا هر دو کشور از توافق را منجر شود. دونالد ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، توافق هسته‌ای را یکی از بدترین توافقاتی که تاکنون در تاریخ منعقد شده است، نامید و متعهد به مذاکره مجدد درباره آن و یا پاره کردن آن شد. آیت‌الله خامنه‌ای به شدت به اظهارات دونالد ترامپ واکنش نشان داد و بیان کرد که ایران اولین نقض‌کننده برجام نخواهد بود، اما اگر آمریکا آن را پاره کند، ایران توافق را آتش خواهد زد. یک روز بعد از پیروزی ترامپ در انتخابات، رئیس‌جمهور ایران گفت که نتیجه انتخابات آمریکا هیچ تأثیری بر روی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران ندارد. او همچنین بیان کرد که توافق هسته‌ای چندجانبه نمی‌تواند به سادگی توسط اقدامات یک‌جانبه یکی از امضاکنندگان آن ملغی شود. همچنین وزیر امور خارجه ایران، محمد جواد ظریف، با گفتن این که آقای ترامپ «موظف به متعهدماندن به این توافق نه یک‌جانبه بلکه چندجانبه» است، بر جنبه چندبعدی بودن توافق تأکید کرد. وی بیان کرد او مطمئن است که جامعه بین‌المللی نیز همین انتظار را خواهد داشت.

رایینسز استدلال می‌کند که ایران بر این امر تأکید کرده است که اگر ترامپ به تعهد خود برای خروج از توافق عمل نکند، سریعاً اقداماتی را اتخاذ خواهد کرد. در نوامبر ۲۰۱۶، سرتیپ حسین سلامی، معاون فرمانده سپاه پاسداران ایران گفت که اگر آمریکا به تعهدات خود در چهارچوب برجام عمل نکند «ایران توافق را به موزه خواهد فرستاد». پس از آن، در یک سخنرانی در دانشگاه تهران در ۶ دسامبر، رئیس‌جمهور ایران بیان کرد که «هیچ شکی وجود ندارد که آمریکا دشمن ماست». حکومت ایران همچنین تهدید به پاسخ‌دادن به تداوم تحریم‌ها از سوی آمریکا کرده است. در دسامبر ۲۰۱۶، مجلس سنای آمریکا به گسترش قانون تحریم ایران رأی داد؛ قانونی که در سال ۱۹۹۶ برای تحریم ایران نه تنها برای برنامه هسته‌ای بلکه همچنین برای حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه معرفی شده بود و تحت پوشش برجام قرار نگرفته است. در واکنش به این رأی، رئیس‌جمهور ایران گفت که ایران

